

# تو رئیس بدنت ہستی



مثلا وقت هایی که با برادرم چکاد با هم  
بازی می کنیم احساس خوشحالی دارم  
و هر دو می خندیم و قهقهه می زنیم،  
تو چه موقع هایی خوشحال می شوی؟



گاهی هم پیش می آید که ناراحت می شوم  
مثل وقت هایی که اسباب بازی مورد علاقه ام  
می شکند، اینجور وقت ها حتی ممکن است  
گریه کنم تا آرام بشوم...



یا گاهی وقت ها حس عصبانیت را  
تجربه میکنم. تو چه موقع هایی  
عصبانی می شوی؟

# بعضی غریبہ ہا

## ملہر بانہ نیستند

شیرین ملکہ

کارشناس ارشد کاردرمانہ

مجموعہ تربیت جنسہ



بعضی وقت ها با مادرم به پارک می رویم و آنجا همراه با  
دوستانم بازی می کنم.





گاهی اوقات هم با همدیگر به فروشگاه می رویم و خرید می  
کنیم. مادرم می گوید باید در فروشگاه کنار او بمانم و از او فاصله  
نگیرم.

# مے توانی بلویہ نہ!



شیرین ملکہ

کارشناس ارشد کاردرمانی

مجموعہ تربیت جنسے



وقت گذراندن با مادرم را خیلی دوست دارم چون هم بازی می کنیم و هم مادرم چیزهای جدیدی به من یاد می دهد.

مادرم می گوید: "باید به حرف هایم خوب و با دقت گوش کنی و مراقب خودت باشی چون به نفع خودت است."





# باید حواسست باشد



• مجموعه تربیت جنسے

• کارشناس ارشد کاردرمانے

• شیرین ملکہ

من هم اسباب بازی هایم را روی  
زمین گذاشتم و سریع رفتم توی  
پذیرایی تا بینم مادرم با من چکار  
دارد.



مادرم گفت: " وقتش رسیده که چیزهای  
جدیدی را به تو یاد بدهم که بسیار مهم  
هستند و هر کودکی باید آن ها را بداند. "

